



حسین مرادیگی

بیشتر کومله از صحنه سیاسی کردستان ایران است، هدفی که آن را پنهان نکرده اند. در مصاحبه دبیر اول کومله و همچنین در سرمقاله پیشرو، ارگان رسمی کومله، بجای اشاره به این مساله و به نیت واقعی پشت جبهه سازی اخیر گروههای قومی و ناسیونالیست کرد، مطابق معمول به موضع دو پهلو، آبی، بی آزار و در پوشش بی طرفی پناه برده اند. نوشته اند: "بیگمان انگیزه همه نویسنده ها و کسانی که صاحب این بحث هستند یکی نیست، عده ای، (کدام عده؟) صادقانه (!!) قدم پیش گذاشته اند و میخواهند از نقطه نظر خود به پیشبرد مبارزه مردم کردستان برای رهائی از ستم ملی خدمت کنند، عده ای نیز، (باز هم معلوم نیست کدام عده) با توهم به هم جهت کردن خود با سیاستهای آمریکا در منطقه به میدان آمده اند ... به این امید که دولت آمریکا هم گوشه چشمی به تشکیلات و یا شخصیتهای آنها داشته باشد." (پیشرو شماره ۱۷۲ این پاراگراف و همه جملات بعدی داخل گیومه از کردی به

صفحه ۲

در باره کمپین ترور شخصیت باند "زحمتکشان"

عبدالله دارابی

مجید حسینی

صفحه ۳

کومه له و موضع "بیطرفانه" در باره جبهه کردستانی

در حاشیه مصاحبه ابراهیم علیزاده و مقاله پیشرو کردی

اکنون پارگری و شکل دادن به صف ارتجاع و کهنه پرستی در کردستان ایران در مقابل قطب چپ و رادیکال این جامعه در تحولات آتی تشکیل میدهد، میگنم و بحث مفصل تر در مورد محتوای آن را به بعد موکول میکنم. آنچه در اینجا مورد نظر من است، موضع بی خاصیت کومله است از زبان دبیر کل آن، ابراهیم علیزاده. ابراهیم علیزاده در مصاحبه ای با همان رادیو زایل، اواخر اوت، که در واقع کپی نوشته بدون امضای سرمقاله نشریه پیشرو کردی شماره ۱۷۲، اوت ۲۰۰۳ تحت عنوان: "جبهه کردستانی، همکاری، زمیسته و پیش شرطهایش" میباید یک بار دیگر بر بی خاصیتی سیاسی سازمانش صحنه میگنارد. از آنجا که خواننده ممکن است نتواند به مصاحبه ابراهیم علیزاده دسترسی پیدا کند، نوشته پیشرو را که سردبیری آن با شخص ابراهیم علیزاده است مبنا گرفته ام و به چند مورد آن مختصرا اشاره می کنم:

هر کس که کمپین اخیر ناسیونالیستهای کرد بویژه دارو دسته زحمتکشان را برای این جبهه سازی تعقیب کرده باشد باید متوجه شده باشد که یک وجه جبهه سازی اینها، منزوی کردن و به حاشیه راندن هرچه

مدتی است افراد و گروههای قومی و ناسیونالیست کرد کردستان ایران کمپینی را بمنظور "جبهه سازی" شروع کرده اند، البته هرکس از زاویه خاص و تعقیب رویاها و ریاست طلبی خودش. دارو دسته زحمتکشان آن را گامی در جهت رسیدن به رویای دیرین خود، تثبیت خود در جنبش ملی کرد زیر دست حزب دمکرات، و نتیجتا حل بحران عدم مشروعیت خود در شرایط فعلی میدانند، لذا در صورت آمادگی حزب دمکرات حاضر به دادن هر امتیازی به این حزب هستند. حزب دمکرات نیز هرچند نیازی به جبهه سازی با اینها و دیگر گروههای حاشیه ای ناسیونالیست کرد نمی بیند و میدانند هر وقت بخواهد میتواند اینها را بدور خود جمع کند، به نظر میرسد که بی میل نیست مساله ریاست طلبی خود براین گروهها را از هم اکنون فیصله دهد تا در تحولات سیاسی آینده ایران مشکلی در مورد اداره این یا آن پاسگاه ژاندارمری با اینها پیدا نکنند. مصاحبه اخیر علی مهرپرور با رادیو زایل(رادیویی کردی زبان در شهر استکهلم) خبر از چنین تمایلی از جانب دفتر سیاسی حزب دمکرات میدهد. من فعلا در این مورد و نیت واقعی گردانندگان این شوی سیاسی که یک وجه عمده آن را از هم

سرنوشت مردم عراق و نگاهی به موضع اپوزیسیون ایرانی

محمد آسنگران

صفحه ۴

"قدرت بسیج" روشنفکران "مسلمان" ایرانی!

ایرج فرزاد

در روزهای اخیر در سایت امروز، سایت وابسته به اکثریت، نامه ای جالب که درعین حال شاخص و معرف هویت دارندگان سایت مذکور و کل اردوی قدیم و تازه وارد گرایش ملی اسلامی است، چاپ شده است. عنوان آن این است:

"نامه سرگشاده جمعی از روشنفکران مسلمان ایرانی". این نامه قرار است به امضای عده دیگری برسد. مخاطب این نامه "دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی"، "دادگاه بین المللی اسلامی" و "کلیه مراجع و مجامع روشنفکران و مراجع اسلامی" است.

نامه با آیه شریفه: "فاختلف الاحزاب من بینهم...." شروع میشود و اسامی "عالمان نواندیش دینی و روزنامه نگاران اسلامی و "فعالین جنبش دانشجویی از انجمنهای اسلامی" را به عنوان مظلومین در بند جمهوری اسلامی که متحمل توهین اخلاقی و تفتیش عقاید شدهاند، ردیف کرده است.

اشتباه نکنید این نامه را نه چند ماه پس از ۲۲ بهمن ۵۷، که در اواخر شهریور ماه ۸۲ آنهم شماری از "دانشمندان" اسلامی در کشورهای گوناگون و اساسا در خارج از حیطه سلطه رژیم اسلامی نوشته اند. در شرایطی که کل بساط توحش اسلامی دارد توسط مردم ایران برچیده میشود، این تلاش بی تردید دفاع از اسلام سیاسی و مجاهدتی مسخره در تراشیدن پایه "روشنفکری" برای آنست. بی جهت نیست که سایت اکثریت چنین موجوداتی را لائسه میکند و آکادمیسین تازه وارد به میدان

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه ها منتشر میشود.

تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بهارظهر

تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر—۱۳۸۸۰ کیلو هرلتز

۹ تا ۹:۲۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

«قدرت بسیج»

"جنبش اصلاحات"، در برشمرده عناوین "خط مشی"، محفل خود، در رسای قدرت بسیج جنبش اصلاحات اسلام سیاسی مرقوم میفرمایند:

"برخلاف تفسیرهای رایج در داخل و خارج حکومت، عدم توفیق دوم خرداد ناشی از ناتوانی آنها در بسیج توده ای علیه جناح مخالفان نیست."

ایشان بطور داهیانہ ای پیش بینی کرده بودند که جنبش دوخرداد توان "بسیج توده‌ای" را در همین سطحی که نویسندگان نامه روشنفکران اسلامی بروز داده اند، کماکان دارا هستند. جنبش اسلام سیاسی آکادمیسین "لائیک"، کارگر پناه و متنفذ و وحشت زده از سرنگونی این پدیده کثیف را در تاریخ معاصر جهان نیز جدیداً به صفوف خود پذیرفته است. و تعجب آور و متناقض خواهد بود که در روزهای آینده امضای محفل مهجورین را پای این نامه سرکشاده نبینیم. علی القاعده تئورسین اینها باید برای اعمال هژمونی فکری و سیاسی خویش بر جنبش توده ای "جنبش اصلاحات" تلاش کند. اما به نظر میرسد، دو سه سال پیش، از فراری دادن تعدادی از دور وبری هایش با نگارش شتابزده شاهکار "چشم انداز و تکالیف" درس عبرتی گرفته باشند و بنابراین بی گدار به آب نزنند و قدری "سیاسی" تر ظاهر شوند و از این نظر بعید است این بار با رفتن زیر پرچم واقعی اصلاحات اسلامی یعنی آیات قرآن، موجب انحلال یکباره بقایای محفل چند نفره خود بشود. این جنبش ایشان است و از مدتها قبل و پس از الحاق به کمپ ملی اسلاميون، پایه ها و ریشه‌های آنها همه جانبه تر، آکادمیک تر و بسیار فاکچوال تر و پسامدرنیستی تر، حتی در مقایسه با شهید زنده جنبش مردم سالاری اسلامی، آقای حجازیان، شکافته بودند. ایشان، با قرار دادن توصیفهای دقیق و آوردن کدها و نقل قولها به حروف لاتین نیز "مدلل" فرمودند که نه تنها انقلاب و سوسیالیسم که حتی جنبش سرنگون ساختن جمهوری اسلامی، در چشم انداز "سوسیالیسم" دوخردادی رنگ باخته اند.

از این رو به نظر نمی رسد، با آن سابقه جبن و عدم جسارت سیاسی که متفکر تازه وارد جنبش اصلاحات داشته و دارند، شهامت پیوستن علنی به جنبش خود،

"جنبش مسلمانان ایرانی" و منضم کردن نام خود به طومار اعتراضی آنان را داشته باشند. فعلا هنوز زمان تلفیق تئوری و عمل" به زبان خرده حسابگرهای ایشان عمل میکند. بزعم ایشان جنبش اصلاحات اسلامی، سیر طولانی و اجتناب ناپذیر پیروزی خود را برای سالهای سال پیش رو دارد و به او فرصت کافی میدهد.

اما خاصیت مدافع توانمندی جریان دو خرداد در بسیج توده ای هنوز در خارج این جنبش و فعلا کماکان در عرصه "تئوریک" و روشنگری است. کار او این است که بتوانند با تئوری خود، جنبه های اسلامی، آخوندی، شکنجه گرانه و "ظواهر" "سطحی" اما زمخت و خونین آنرا، از جمله تداوم آن جنبش بر بستر نسل کشیها و اتکا به اسوه های آخوند خاتمی، امثال لاجوردی جلا و بازجویان فعلی تحت مدیریت "دولت اصلاحات"، در لابلائی حرفای آکادمیک و لفاظی ملاقطی دانشمندان پسامدرنیستی از "منفردین" سرگردان و جریانات حاشیه سیاست درست برای ملحق ساختن آنها به جنبش اصلاحات اسلام سیاسی پنهان کند تا به شیوه "عمیق" آنان را برای پیوستن به دو خرداد ترویج و در نهایت قانع کند. و به نظر میرسد فعلا تاکتیک عامه پسندی انتخاب کرده باشد چرا که توانسته است رهبری کومه له را به تدریج تحت هژمونی فکری خود قرار دهد و علیه کمونیسم کارگری، علیه جنبش سرنگونی طلبی و در کندن سازمان کومه له از یک پایه به هر حال غیر مریخی و اجتماعی، حداقل در سطح رهبری کومه له کجج سری ایجاد کند و به خرافه سیاسی دامن زند. نقش مخرب تئورسین فراریان از تحزب کمونیستی در این شیوه ضدانقلابی تداوم یافته است. رخنه تئوریهای اینها به رهبری کومه له، نطفه های دفرمه شدن کومه له و تبدیل آن به یک جریان غیرسیاسی در حاشیه جریانات حاشیه ای را هم اکنون بسته است. رهبری کومه له متاسفانه در کمال ساده لوحی و "صداقت" متوجه نشد که دارند نفوذ جریان دو خرداد در عرصه "تئوریک" را به تشکیلات آنها تزریق میکنند. این بزرگترین خدمت دانشمند تازه وارد دوخردادی به "جنبش اصلاحات" اسلام سیاسی و در همان حال مهمترین ضربه او به مبارزه مردم ایران برای بزیر کشیدن رژیم اسلامی است.

کومه له و...

(ادامه از صفحه ۱)

فارسی ترجمه شده است). نکته پیداست که دبیر اول کومه له خود را در مقصد عجیبی گرفتار دیده است! متوجه شده اند که اگر بخواهند با این جبهه سازی مخالفت کنند حمایت یک بخش از این ناسیونالیستها را که بزعم رهبری کومه له و ارگان رسمی آن شکی در تلاش فعال و صادقانه آنها برای جبهه سازی ندارد از دست داده اند، و اگر هم موافقت کامل خود را در باره کلیت آن اعلام کند دارند با کسانی که وی در "حسن نیت" آنها شک دارد و تصور میکند با توهم به سیاست دولت آمریکا وارد این کمپین شده اند، خود را هم جبهه میکند و به اعتبار خود لطمه میزند. لذا برای اینکه به دام موضعیگری "سنسجید ای" نیفتاده باشد گزیری به صحرای کربلا میزند و مقدمه ای طولانی و بی ربط و در عین حال بازی با مقولات را به موضوع وصل میکند. نوشته اند: "کردستان ایران جامعه ایست طبقاتی و این در همه ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن خود را منعکس کرده است... در آن کشمکش طبقاتی وجود دارد، که البته این کشمکش، کشمکش نیست بین احزاب و نیروهائی که این طبقات را نمایندگی و یا به نیابت از آنان حرف میزنند، بلکه این کشمکش، کشمکش است که بین خود این طبقات در جامعه درگیر است... و با تشکیل هیچ "جبهه" و "ائتلافی" هم تمام شدنی نیست." (همانجا) یک شرح کشف که من یکی دو جمله آن را در اینجا ترجمه کرده ام ظاهراً برای این است که بگویند در کردستان ایران طبقه و مبارزه طبقاتی هست، پس جبهه مقدور نیست، اگر هم باشد باید پیش شرطهای آن را آماده کرد! گروههای قومی و ناسیونالیست کرد صراحتاً خودشان را از یک گرایش، از جنس جنبش کردیعتی میدانند و میگویند میخواهند بروند پای جبهه سازی، نیابت واقعی خود را نیز پنهان نکرده اند. ابراهیم علیزاده و ارگان رسمی کومه له که ظاهراً از موضع چپ و گرایش مخالف با اینها وارد شده است قاعدتاً میبایستی با اتکاء به این شرح مبسوط در مورد ایده طبقه و مبارزه طبقاتی، موضع متفاوتی از گروههای قومی و ناسیونالیست کرد میگرفت! یا یک بز "زادیکال" و عبارت پردازی توخالی و چند شرط و شروط که صرفاً توجیبهی

است برای آینده که اگر مصلحت سیاسی کومه له ایجاب کرد و به جبهه سازی ارتجاعی گروههای قومی و ناسیونالیست کرد پیوست مشکل توجیه سیاسی - تئوریک برای صفوف کومه له ایجاد نکند! از این التقاط هر چیزی را میتوان در آورد جز یک موضع روشن چپ و کمونیستی در قبال کمپین اخیر جبهه سازی گروههای قومی و ناسیونالیسم کرد. "کشمکش طبقات، کشمکش سیاسی بین احزاب و نیروهائی که این طبقات را نمایندگی میکنند نیست"، میتواند یک معنی اش هم از نظر رهبری کومه له این باشد که این احزاب و نیروها صرفنظر از اینکه در میان طبقات مختلف اجتماعی چه کشمکش در جامعه در جریان است میتوانند به "تفاهم" و مصالحه با همدیگر برسند. یا اگر "جبهه" و "ائتلاف" هم درست شد این مبارزه تمام شدنی نیست، بین چه نیروهائی و چه وقت تمام شدنی نیست؟ این موضع را به چیزی جز نشان دادن درجه اطمینان از طرف ابراهیم علیزاده و رهبری که اگر سازمانش در آینده به این "ائتلاف ارتجاعی" پیوست بمعنی دست کشیدن کومه له از مبارزه طبقاتی بین بورژوازی کرد و طبقه کارگر در کردستان نیست، نمیتوان تعبیر کرد. این پنهان شدن در لابلائی بازی با کلمات و عبارت پردازی بجای یک موضع روشن و سر راست در قبال کمپین اخیر ناسیونالیسم کرد برای جبهه سازی، برآستی خنده آور است. اگر جبهه سازی شما با اینها مقدور نیست باید گفت چرا ممکن نیست و چه چیزی شما را از آنها جدا میکند، نه در لفافه کلی بافی مبارزه طبقاتی خود را برای همکاری با عده ای ناسیونالیست و قومی که بزعم شما "صادقانه" وارد جبهه سازی شده اند! گویا راستگری و موضع صادقانه معجونی است که اختلافات طبقاتی را فوراً محو میکند!

بعد از این توضیح "طبقاتی" مساله، ابراهیم علیزاده قبل از اینکه شرط و شروطی را برای همکاری خود با اینها به میان آورد میخواهد پایه مشترکی برای کمپین اخیر گروههای قومی و ناسیونالیست کرد و همکاری احتمالی سازمانش با اینها پیدا کند، لذا آن کمپین هدفمند را "بسادگی" آنها به مبارزه برای رفع ستم ملی در کردستان و جوابی به "وحدت طلبی" مردم کردستان ایران مربوط میکند! مینویسند: "وجود ستم ملی و جنبش رفع ستم ملی در کردستان آن ویژگی ایست که وارد این

بحث میکند، وجود این جنبش.. جنایتهای رژیم شاه و جمهوری اسلامی یک گرایش قوی وحدتی طلبی را در میان مردم کردستان بوجود آورده است که از کمونیستها راه حل مناسب خود را می طلبد." (همانجا) گویا کمپین اخیر اینها، یا بزعم او عده ای از اینها که "صادقانه" پا به میان گذاشته اند، به رفع ستم ملی و جوابی به وحدت طلبی مردم مربوط است، نه صاف و ساده استفاده عوام فریبانه اینها از این وحدت طلبی مردم برای لاپوشانی کردن نیات ارتجاعی و خاص خود. در نتیجه بجای پرداختن به ماهیت واقعی کمپین اخیر گروههای قومی و ناسیونالیست کرد، دانسته یا ندانسته، دارد نیات واقعی گردانندگان این شوی سیاسی را لاپوشانی میکنند. به این منظور مساله را نه بنا بر ماهیت واقعی آنها که آنها را وارد زد و بند با جمهوری اسلامی میکند بلکه از این سر که: "چکار کنیم که اجازه ندیم رژیم از شکافها و جدارهای اختلافات سیاسی واجتماعی کردستان علیه جنبش برای رفع ستم ملی استفاده کند"، یا: سنت مبارزه مسلحانه و بودن احزاب مسلح و احتمال متوسل شدن به زور در اختلافات سیاسی که جمهوری اسلامی مدام برای دامن زدن به آن تلاش کرده است و زمینه آن را فراهم کرده است"، یا: "شرط اینکه نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی به امکان مانور ندهند که از اختلافات سیاسی داخلی در جامعه کردستان بهره برداری کند"، مورد بررسی قرار میدهد. (همه نقل قولها از سرمقاله پیشرو کردی شماره ۱۷۲ است).

انگار در گذشته این نه قلدری حزب دمکرات در تعرض به آزادیهای سیاسی و تعرض به حقوق پایه ای مردم زحمتکش که این جمهوری اسلامی بوده است که با استفاده از ائتلاف سیاسی میان سازمانهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی در کردستان ایران، حزب دمکرات را تحریک کرده است که از کوره در رود و علیه آزادیهای سیاسی و حقوق پایه ای مردم زحمتکش به چماق و زور متوسل شود! انگار مزاحمتهای مسلحانه این دوره دارو دسته زحمتکشان علیه خود کومه له نه از ماهیت باند سیاهی آنها که ناشی از تحریک آنان توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته و در آینده نیز ممکن است صورت

◀◀

در باره کمپین ترور شخصیت باند "زحمتکشان"

عبدالله دارابی - مجید حسینی
سپتامبر ۲۰۰۳

دارودسته مهتدی - ایلخانی زاده، بار دیگر کمپین نفرت انگیزی از ترور شخصیت، هتاک، افترا و داستان‌سرایایی ساوامایی علیه فاتح شیخ الاسلامی از شخصیت های سرشناس جنبش کمونیستی ایران و چهره از دیرباز محبوب توده های مردم کردستان، براه انداخته اند. این باند اینبار هر حد و مرزی را شکسته و طی یک سری نوشته تهوع آور با امضای جعلی که در سایت رسوایشان «بروسکه» گذاشته اند، در نهایت بیشرمی خانواده و خویشاوندان او را هم مورد اهانت و بیحرمتی قرار داده اند. در این رابطه اشاره به نکاتی را لازم میدانیم.

۱- اولین بار نیست که این روشهای لمپنی و ترور شخصیت از باند فاشیستی زحمتکشان سر میزند. مسئولیت این کمپین ها که جیوانه با امضای جعل اجرا

بنای کارشان را بر اشاعه فرهنگ لمپنی فاشیستی در کردستان و در میان نیروهای سیاسی، بر جعل و دروغ و کودتا و تاریخسازی و حلقه به گوش و لگدمال کردن آرمان جانباختگان کمونیست گذاشته اند. این نوآوری اخیرشان هم حاصلی جز رسوایی باز هم بیشتر در میان مردم کردستان و انسانهای آزادیخواه و سازمانهای سیاسی ای که با فاتح شیخ الاسلامی و مبارزات کمونیستی او طی بیش از چهار دهه و در برابر هر دو رژیم سلطنتی و اسلامی آشنایند نخواهد داشت. این دلیل دیگری است بر حقانیت آنچه فاتح شیخ الاسلامی در مورد ماهیت فاشیستی این باند خطاب به مردم کردستان گفته و نوشته است. این اولین بار در تاریخ کردستان ایران است که یک سازمان قومی فاشیستی پا به عرصه گذاشته است، باید پیگیرانه این دارودسته را رسواتر کرد و به مردم شناساند.

۲- ما خود از فعالین کمونیستی هستیم که از دوره نوجوانی با فاتح شیخ الاسلامی آشنا بوده ایم و بیش از سه دهه دوش بلوش هم درگیر فعالیت کمونیستی و دیگر ناسیونالیستهای کرد عاجز است، اینهمه آسمان و ریسمن یافته که بگوید، فعلا بحث از شرط و شروط ایشان برای همکاری است تا راه جبهه در آینده هموار شود. نگفته است که جبهه سازی بدلیل این یا آن اهداف و آرمان با گروههای قومی و ناسیونالیسم کرد ممکن نیست، ولی دیالوگ ممکن است و اینها دارند از وحدت طلبی مردم استفاده عوام فریبانه میکنند. یک موضع دو پهلو گرفته اند تا خود را از همکاری و در آینده جبهه سازی با آنها محروم نکرده باشد. شرط سرمقاله پیشرو برای همکاری: "تحت نام جبهه و یا هر نام دیگری اگر بخواهیم در سطح تبلیغات بی محتوی باقی نماند" یکی "رعایت آزادی فعالیت سیاسی در کردستان" و "متوسل نشدن به زور"، دیگری "خودداری از مذاکره تنهایی، چه علنی و چه پنهانی، با جمهوری اسلامی" است. خطاب در این مورد بخصوص البته حزب دمکرات است که "بی وفایی" زیادی را از این حزب دیده اند. حق هم دارند. قبول این دو شرط را پیش شرط جبهه سازی خود با

بوده و هستیم، نام فاتح در میان مردم کردستان و در بین جریانات چپ ایران تداعی کننده کمونیسم و چپ انقلابی است. عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده بخوبی از این واقعیت آگاهند و محال است بتوانند منکر شوند که در گذشته چگونه به فاتح احترام گذاشته اند و همواره با دیده احترام به او می نگریسته اند. اما از کسانی که شکست خورده میدان سیاست اند و به اعتراف خود عمری گول خورده اند، چه انتظار است وقتی به گذشته خود تف میاندازند، علیه فاتح شیخ الاسلامی که مدام ماهیت آنها را برای مردم کردستان روشن میکند، کمپین رذیلتانه راه نیندازند.

۳- اتفاقی نیست که سازمان زحمتکشان به دوره ای از تاریخ مبارزات کمونیستی فاتح و جمع کمونیستهای محبوب شناخته شده در میوان برگشته و از توبره ساواک و ارتجاع در آن دوره علیه ما تغذیه میکند. این باند از همان جنس و قماش است و با همان فرهنگ سیاسی و القابی که ساواک و ارتجاع منطقه در آن دوره به ما می بستند، هتاک می کند و به فاتح را شروع کرده اند. اینبار

اینها در قالب یک باند فاشیستی و قومی در برابر کل جنبش کمونیستی در کردستان ماهیت خود را به نمایش گذاشته اند. خصائص ضد انسانی و لمپنی این باند برای ما و مردم کردستان تداعی کننده دوره ای است که علیه رژیم شاه و ساواک و ارتجاع منطقه مبارزت انقلابی مان را پیش میبردیم. ما تضمین میکنیم و به مردم کردستان اطمینان می دهیم که اینبار هم به همراه نسل کمونیستهای پر شور امروزی نخواهیم گذاشت این دارودسته در کردستان جای پای باز کنند. در پایان اضافه کنیم که دو سند برای قضاوت خواننده درباره تازترین تقلب کاری این باند لمپن و رسوا وجود دارد که هر دو بعنوان ضمیمه این نوشته در سایت روزنه قابل دسترسی است. اولین سند این فحاشی لمپنی به تاریخ ۲۲ اوت با نام اصلی نویسنده و مستقیما از طریق ایمیل خودش فرستاده شده و دومی چند روز بعد با امضای تقلیمی (م. زمانی نیا - سنه!) روی سایت «بروسکه» گذاشته شده است!

مدار و شرط و شروط توانست که حزب دمکرات را از ساتیدن سر به آستان خمینی و جمهوری اسلامی و مذاکره تنهایی و دها بند و بست دیگر علیه کومله آن دوره و علیه منافع مردم کردستان ایران باز دارد که اکنون با این دو شرط ابراهیم علیزاده و سازمانش باز دارد. این چه خام اندیشی و چه اندازه فراموش کردن تجربه و کارنامه عملی حزب دمکرات است! بجای بحث در مورد ماهیت واقعی کمپین اخیرگروههای قومی و ناسیونالیست کرد در جریان این جبهه سازها، با ملقمه ای از اضافه گویی و بیان "توافقات مشترک" با اینها نه تصویری از یک سازمان سیاسی جدی چپ در کردستان ایران که دارد تصویری از سازمانش بدست میدهد که به تدریج به یک جریان غیر سیاسی و غیر دخالتر نزدیک میشود، سازمانی بی آزار متفک از واقعیات و تحولات سیاسی و اجتماعی کردستان که شیوه زندگی در حاشیه سیاست و عادت به بازی با مقولات و عبارت پردازی را یواش یواش برگزیده است.

۹ سپتامبر ۲۰۰۳

◀ کومه له و ...

بورژوازی در ایران حل میکند. کدام اصلاحات بورژوازی؟ بکار بردن استفاده از "چهارچوب اصلاحات بورژوازی"، بجای بند و بست حزب مربوطه با جمهوری اسلامی علیه منافع مردم کارگر و آزادیخواه کردستان، البته سیغه جیدیدی است که توسط پرفسورهای جدید طرفداران دوم خرداد وارد سازمان ابراهیم علیزاده شده است. نتیجهاش تلطیف بخشی از بورژوازی است برای توجیه حمایت از آن به بهانه "اصلاحات بورژوازی". برای کومله در کردستان ایران بورژوازی کرد و حزب دمکرات که ابراهیم علیزاده از آن نامی نبرده است، بورژوازی بدون حزب! ارفاکی است که دبیر اول کومله از کیسه کارگر و زحمتکش کردستان ایران به بورژوازی کرد و حزب دمکرات میکند، تا در آینده حمایت و همکاری خود را با آنان تحت این نام توجیه کند. او احتمالا از این بیان دارد برای گله کردن از "سازشکاری" و "رفیق" نیمه راه بودن بورژوازی کرد و حزب مربوطه آنان استفاده میکند. ابراهیم علیزاده که از گرفتن یک موضع روشن و چپ در مورد کمپین اخیر دارو دسته زحمتکشان

گیرد. نفس اینکه یک حزب سیاسی علیه مردم معترض و دیگر سازمانهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی به بند و بست و همکاری با جمهوری اسلامی تن میدهد، آنچه که ابراهیم علیزاده خوش دارد آن را استفاده جمهوری اسلامی از اختلاف میان نیروهای سیاسی در کردستان نام بگذارد، کافی است که حزب یا جریان سیاسی ای را ارتجاعی نامید، این به تنهایی برای موضعگیری کسی که دچار گيجی سیاسی نشده باشد کافی است. سرمقاله پیشرو کردی به سر دبیری ابراهیم علیزاده در ادامه برای اینکه نشان دهد که قبل از جبهه سازی باید شرط و شروطی را قبول کرد، با تحلیل چپ و در عین حال متناقضی از بورژوازی کرد، البته بدون بردن نام حزب مربوطه شروع میکند و با گرفتن موضعی کاملا راست آنرا به پایان میرساند. نوشته اند: "بورژوازی کرد بعنوان پایگاه حکومت مرکزی خودش را به منافع طبقه سرمایه دار گره زده است، اگر هم جدلی با آن داشته باشد آن را در چهارچوب اصلاحات

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنوشت مردم عراق و نگاهی به موضع اپوزیسیون ایرانی



محمد آسنگران
asangaran@aol.com

و فقر در تاریخ این مملکت بی سابقه است. در این میان زنان، سالخوردگان و بچه ها متحمل بیشترین خسارات روحی و جسمی شده اند.

سنتهای عهد عتیق سر بر آورده و حکمرانی میکنند. از جامعه عراق مدنیت و مدرنیسم رخت بر بسته و قومپرستی و عشیره گری به کمک مذهب، جامعه را به سمت بربریت سوق میدهد. ترور و تروریسم به بخشی از داده های کربیه این جامعه تبدیل شده است. مدافعین "دمکراسی" در میان این بلبشوی که خود بانی آن هستند راه پس و پیش برایشان مشکل شده است.

نجف و کربلا به مرکز فساد اسلام و آخوندهای ریزو درشت از هر قماش تبدیل شده است. سنتها و آداب و رسوم ۱۵۰۰ سال پیش یکی بعد از دیگری از گور سر بر میاورند و به جان مردم میافتند. آمار قربانیان و گرسنگان در عراق بر کسی معلوم نیست. اما آنچه معلوم است هیچ کس در امنیت بسر نمیرد.

در چنین جامعه ای که جریانات سیاه به کمک دولت آمریکا و دولتهای مرتجع منطقه هر روز زندگی را بر مردم سیاهتر میکنند، یک صدای متفاوت یک راه مقابله با این وضع پا به عرصه سیاست گذاشته است. متأسفانه تنها یک جریان در مقابل همه این خیل مرتجع و متجاوز وجود دارد. این صدا صدای حقیقت، صدای انسانیت و صدای عدالت و برابری است، که پرچم آن در دست حزب کمونیست کارگری عراق است. بدون اغراق حزب کمونیست کارگری عراق تنها جریانی است که پتانسیل این را دارد بتواند جامعه عراق را از این فلاکت نجات دهد.

تنها یک جریان و یک نیروی اجتماعی است که مردم محروم را به تشکل و دفاع از انسانیت فرامیخواند. تنها یک جریان است که با اتکا به مردم محروم و طبقه کارگر عراق دست بکار فعالیت برای نجات مردم از این فلاکت شده است. حزب کمونیست کارگری عراق تنها جریانی است که ایجاد شوراهای مردم و کارگران را برای دفاع از حقوق و حرمت انسانی فراخوان داده است و عملاً دست به کار ایجاد این شوراهای شده است. این حزب تنها جریانی است که کادرها و فعالینش با

ایجاد سازمان آزادی زن به دفاع از حقوق زنان در عراق پرداخته اند. تا کنون طبق اخبار رسانه های غربی به نقل از رهبران حزب کمونیست کارگری عراق و منابع خبری این حزب و رهبران اتحادیه بیکاران، حدود ۱۲۰ هزار نفر از کارگران بیکار در اتحادیه بیکاران عراق سازمان دهی شده اند.

در محلاتی از بغداد و کرکوک شوراهای مردم تشکیل شده اند. کارگران نفت کرکوک با تشکیل شورای کارگران در این راه پیشقدم شده اند. خطر جنگ قومی در کرکوک که مرتب بوسیله جریانات ناسیونالیست کرد و ترک و عرب باد زده میشود، با تلاش فعالین این حزب فعلاً خنثی شده است. در میان این همه سیاهی یک نور روشنائی وجود دارد که در دست حزب کمونیست کارگری عراق است. برای کمک به مردم عراق که بتوانند از این شرایط نجات پیدا کنند راه واقعی کمک و تقویت این حزب است.

بنا بر این وظیفه همه جریانات و کسانی که دلشان برای انسانیت، آزادی و رهایی بشر میزند، کمک به ایجاد فضایی است که مردم عراق بتوانند از زندگی امن و حقوق انسانی خود برخوردار شوند. حتی رسانه های غربی هم به این اعتراف کرده اند تنها جریانی که در عراق توانسته است در این مسیر حرکت کند حزب کمونیست کارگری عراق است. که در دفاع از کارگران، در دفاع از مردم محروم، و در دفاع از زنان فعالیتهای قابل توجهی را انجام داده و در این مسیر پیش میرود. اما در این میان موضع گیری جریانات ایرانی دیدنی است. جریانات راست پرو غرب و ناسیونالیستهای کرد از همان اول خودشان را در جبهه آمریکا قرار دادند و عملاً مدافع تمام جنایاتی شدند که علیه مردم عراق صورت گرفته است. اینها کارشان این شده است که ابعاد این جنایات را پنهان کنند. قند در دلشان آب شده است که شاید آنها هم به خدمت گرفته شوند. هم اکنون هم تلاش میکنند که مردم ایران به سرنوشتی شبیه مردم عراق دچار شوند. آنها حاضرند دوش به دوش سربازان آمریکایی به هر جنایتی دست بزنند.

ولی جریانات "چپ" ایرانی که خود را در کاتاکوری جریانات "ضد امپریالیست" قرار میدهند، بعد از ساقط شدن رژیم صدام حسین تنها به این اکتفا کرده اند که مصیبت نامه و آیه یاس

بنویسند. کوتاه بینی و بی خاصیتی این جریانات چنان عمیق است، که حتی حاضر نیستند تلاشهای مردم آزادیخواه و کمونیستهای این جامعه را ببینند. بی انصافی و بی لیاقتی این جریانات در قلب وقایع عراق و نقش نیروهای سیاسی مترقی و کمونیست روی رسانه های غربی را هم سفید کرده است.

اگر حتی رسانه های غربی در میان کوهی از مطالب غیر واقعی و گمراه کننده ناچار میشوند هر از چند گاهی گوشه های از واقعیات و تلاش تنها نیروی مسئول و مدرن در این جامعه را منعکس کنند، اما نیروهای به اصطلاح چپ ما حتی حاضر به این هم نیستند. و جالب این است که همینها، مدعی کمونیسم، انترناسیونالیسم، مدافع کارگر و مخالف سکتاریسم و بسیار هم کارگر پناه در توصیف خود هستند. معلوم نیست که این چگونه کمونیستی است که اگر در نجف و کربلا و قم سنگی به قبر یکی از امامان پرت میشود، سر تیتز روزنامه هایشان را با آن تزئین میکنند و آنرا بی احترامی به مقدسات مردم میدانند، ولی خبر متشکل شدن دهها هزار کارگر در عراق و تشکلی شوراهای کارگران و مردم عراق آنها را نه تنها به وجد نمی آورد بلکه خبر آنرا هم حاضر نیستند بیان کنند. این چگونه کمونیستی است که حاضر نیست به فعالین شوراهای تشکلهای کارگری در عراق ارج نهد و در عین حال خود را مدافع کارگران و انترناسیونالیست بخواند. این چگونه کمونیستی است که اقدامات با ارزش کمونیستها در مخالفت با نیروهای سیاه و تلاش برای رهایی آن جامعه را نه تنها حاضر نیست تقویت کند بلکه سعی میکند که وجود این تلاشها را هم منکر شود. این واضح است که صدای اینها را فقط محافل خودشان میشنوند، اما همین محافل دور برشان هم باید بیگفایتی و حاشیه ای بودن این جریانات در امر مبارزه برای رهایی و آزادی را متوجه شوند.

وقتی که همتایان حزب توده در عراق به اسم "حزب شیوعی" خود را کاندید جریانات اسلامی کردند که به شورای آمریکایی در عراق راه یابند، نوه های این حزب مانند اکثریت و راه کارگر محق هستند که فعالیت کمونیستهای آن جامعه را سانسور کنند. بر اساس همین معادله کسانی که به دنبال تئوریهای حجابیان

روان شدند و اعلام کردند که این دوران دوره انقلاب نیست و بورژوازی ایران با اصلاحاتش میخواهد کارگران را هم متشکل کند! به کیسه ناسیونالیسم کرد دست بردند و اصطلاح "جنبش خلق کرد" را برای خود انتخاب کردند. کومه له سرگردان که از بیضاعتی خود به این تئوریهای چنگ انداخت، نه تنها سمپاتیبی به فعالین کمونیست و حزب کمونیست کارگری عراق نشان نمیدهد بلکه در انکار آنها همان کاری را میکند که راه کارگر و طالبانی و امثال آنها میکنند. همین کومه له هنگامی که پز تحلیل و بررسی به خود میگیرد از زبان دبیر اولش آقای علیزاده نیروهای ارتجاعی عراق را فقط محدود به جریانات اسلامی و ناسیونالیسم عرب میکند، تا صداقت و پایبندی به تعهداتش را به احزاب ناسیونالیست کرد نشان داده باشد. کومه له ای که خود را مخالف سیاستهای آمریکا در عراق نشان میدهد در عین حال خود را دوست و غم خوار اتحادیه میهنی و پارتی نشان میدهد که گویا آنها سالها است که در راه احقاق حقوق مردم کرد مبارزه میکنند و امروز هم در لیست نیروهای ارتجاعی نیستند. بی حرجی بر این جریانات نیست. بی ربط بودن و حاشیه ای بودن آنها به جامعه و آزادیخواهی عیانتر از آن است که احتیاج به استدلال زیادی داشته باشد. اگر پرونده و سابقه این جریانات را هم نادیده بگیریم، موضع گیری و سیاستهای آنها در همین چند ماهه اخیر بی اعتباری آنها را بیش از پیش جلو چشم همگان قرار داده است.

کمیته کردستان حزب

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

تلفن:

0046739855837

ای میل:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

مسئول روابط عمومی

خالد حاج محمدی

تلفن:

0046707485754

ای میل:

khaledhaji@yahoo.com